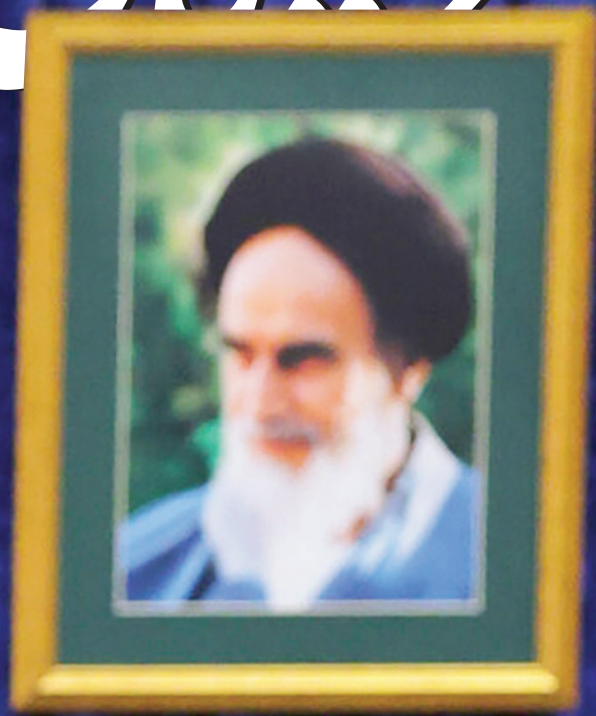


سه‌شنبه
۲۱ بهمن ۱۴۰۴
۲۱ شعبان ۱۴۴۷
۱۰ فوریه ۲۰۲۶شماره
۴۶۲۷
۸ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

فرهنگستان

ایستادگی مردم
مهم‌تر از موشک

رهبر انقلاب در آستانه چهل و هفتمین

سالروز پیروزی انقلاب مطرح کردند

۲

انقلاب اسلامی به مثابه یک خیزش مردمی
خشونت پرهیز و نرم چه مختصاتی داشت؟انقلابی مثل
حضرت روح‌الله

درباره سفر ونس به قفقاز و مخاطرات امنیتی محتمل برای منطقه

ترامپ حداکثر اسم یک برج است نه کریدور

۷

درباره فیلم «اردو بهشت» و نگاه درست به حق خواهی

عدالت بن‌بست ندارد

۵

گزینه‌های روی میز

محمدمهدی همت
فعال فرهنگی

یادداشت

داعشی‌ها چند متر آن طرف‌تر ایستاده بودند و بلندبلند فریاد می‌زدند، فحش می‌دادند و تهدید می‌کردند، پشت موانع این طرف ما بودیم و سوری‌هایی که با لباس ارتش پناه گرفته بودند و ترس بزرگ‌ترین چیزی بود که می‌شد توی چهره‌شان دید.

یکی‌شان که بغل‌دست من پشت یک دیوار کوتاه پناه گرفته بود چنان می‌لرزید که بدنش تن من را هم تکان می‌داد. انگار زلزله توی جانش افتاده بود. کمی آن طرف‌تر، پشت یک خودروی اسقاطی چهارسرباز ارتش سوریه تکیه داده بودند و از جاشان تکان نمی‌خوردند، اولی بدون اینکه با بقیه حرف بزند بلند شد و دست‌هایش را به حالت تسلیم بلند کرد و به سمت داعشی‌ها چرخید و حرکت کرد، هنوز سه قدم از ماشین دور نشده بود که خون از پشت کمرش به همراه گلوله‌هایی که از سینه‌اش داخل شده بودند چند بار به عقب شتک زد و سرباز بیچاره روی زمین افتاد. دومی از جاش بلند شد و به سمت آن‌ها رفت، دومین سوری هم به دو قدم نرسید که جنازه‌اش روی زمین افتاد، درحالی‌که صورتش را گلوله‌های داعشی به هم ریخته بودند. اما شگفتی من سوئین و چهارمین سوری پشت ماشین رقم زدند که خشاب‌ها را در آورند و با یک دست سلاح و دست دیگر خشاب را روی هوا بلند کردند، دوتاشان را جوری زدند که به فاصله یک نفس روی زمین افتادند، یکی‌شان که حتی فرصت نکرد از پشت ماشین بیرون بیاید، همان جاتیر توی گردنش خورد. جوان سوری که پیش من سنگر گرفته بود انگار نفر پنجم بود، خشاب پر از گلوله‌اش را بیرون آورد و نگاه کرد، دستش را به کمر تفنگش گرفت و خواست بلند شود که درست در آخرین لحظه بازویش را گرفتیم، سؤالی پرسیدم که جواب خیلی ساده‌ای داشت: «چه غلطی می‌کنی؟! نمی‌بینی با بقیه چه‌کار کردند؟» دو ساعت بعد که موقعیت‌مان تثبیت شد به جنازه‌ها نگاه کرد و از من پرسید: «داشتم چه‌کار می‌کردم؟! واقعاً داشتم چه‌کار می‌کردم؟! جنگ آدم را بزرگ می‌کند، آدم چیزهایی توی جنگ می‌بیند که باورکردنی نیست، این‌ها را یکی از مدافعان حرم برابر تعریف کرد، خیلی حرف‌ها برای گفتن داشت، اما این یکی را خودم بیشتر از همه دوست داشتم، انگار کتاب قتل‌ورثی بود، انگار همین یک خاطره حرف‌های زیادی برای گفتن داشت، حرف‌هایی که با این روزهای ما خیلی تناسب دارد: «تسلیم شدن اوضاع را بدتر می‌کند.»

ادامه در صفحه ۷

انقلاب به سبک روح‌الله

کبری اسوایر
دبیر گروه سیاست

یادداشت

«وقتی خمینی توانست حکومت را تغییر دهد، چرا ما نتوانیم؟ اگر نسل گذشته توانست تغییری این چنینی ایجاد کند، ما مگر چه کم داریم؟» این مدل صحبت‌ها بعضاً از سوی پیاده‌نظام برانداز در ایران شنیده می‌شود. آنها حتی تلاش کردند در برخی گزاره‌ها از روی دست انقلاب اسلامی یا به قول خودشان انقلاب ۵۷ کپی کنند و حتی ادای مبارزان سیاسی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را در بیاورند یا شعارهای آن زمان را تقلید کنند؛ اما آنچه خلق کردند حتی کاریکاتور انقلاب اسلامی هم نبود.

امام خمینی، صرف‌نظر از ویژگی‌های خاصی که شخص ایشان داشت، اتفاقی با ویژگی‌های خاص را هم رقم زد که اگر آن ویژگی‌های خاص نبود، آن اتفاق نیفتاده بود. هم از این رو، نمی‌توان هیچ رویداد دیگری را با نهضت امام خمینی قیاس کرد، چه رسد که جریان‌ی با همان شبیه بخواهد رویه روی این نهضت بایستد. تصور برخی براندازان این است که وقتی برای سرنگونی یک حکومت تلاش می‌کنند، چون هدف بسیار بزرگ است، لذا همه امری مجاز می‌شود؛ از خشونت مسلحانه تا کمک خواستن از بیگانه تا تخریب کردن اموال عمومی تا حمایت از تحریم اقتصادی و حمله نظامی علیه کشور و... اما امام خمینی حتی در مسیر قیام و انقلاب نیز که آن را تکلیف مسلم خود می‌دانست، خط قرمزهای خودش را داشت و اجازه نمی‌داد تن نهضت به هر شیوه‌ای از مبارزه، آلوده شود. یکی از مهم‌ترین خط‌قرمزهای امام خمینی در مسیر مبارزه با رژیم طاغوت، کمک خواستن از دولت‌های خارجی بود. اصلاً یکی از دلایل قیام، قطع دست بیگانگان از ایران بود و قیام برای «استقلال ایران» شکل گرفت، حال چگونه با کمک خواستن از همان بیگانگان، راه ورودشان از مسیری دیگر را به ایران باز کند؟ کمک خواستن از بیگانه، ننگ بود، تقاضای حمله نظامی به کشور که هیئات مبارزان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ حتی در مخیله‌شان هم نمی‌آمد که مسیر حمله نظامی یک کشور دیگر به ایران را هموار کنند و بلکه حامی و مشوق تجاوز نظامی و اقتصادی (تحریم) به کشور خود باشند. همین دوگانه استقلال-وابستگی برای آنکه بدانیم بین انقلاب اسلامی مردم ایران با براندازی جماعت آشوب فاصله چقدر است، کفایت می‌کند. اما مولفه‌های دیگر هم وجود دارد. امام خمینی خشونت، تخریب، ترور و مبارزه مسلحانه را نفی می‌کردند و یکی از دلایل فاصله میان ایشان و سازمان مجاهدین خلق هم همین مبارزه مسلحانه بود که ایشان هیچ‌گاه تأیید نکردند.

ادامه در صفحه ۷

چهار پرده از دانشگاه دوران حکومت پهلوی به روایت پژوهشگران

سه‌م طبقه کارگر از دانشگاه
پهلوی فقط ۳ درصد

۴

سید حسین شهرستانی در گفت‌وگو با «فرهنگستان» از پروژه‌ای گفت که به دنبال انهدام ایران است

باستان‌گرایی افراطی
شکل حاد سلفی‌گری است

۶

گزارش «فرهنگستان» از فجایع یک راهبر د غلط اقتصادی

سندروم واردات
با اقتصاد پهلوی چه کرد؟

۸